



آسیب شناسی وقوع سرقت های مسلحانه در مقابل دیدگان مردم

چرا سرقت های مسلحانه در مقابل دیدگان مردم

نیست. تیم های واکنش سریع پلیس برای مقابله با موبایل قاپی، کیف قاپی، خفت گیری و... در ۱۰ نقطه از تهران مستقرند و ارتباط مستقیمی با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ و پلیس های تخصصی دارند که نتیجه اقدامات آنها هم بسیار موثر بوده است. پلیس خود را ملزم به برخورد با هرگونه جرمی می داند و حتما با افرادی که آرامش و امنیت مردم را خدشه دار کنند، قاطعانه و برابر قوانین و مقررات برخورد می شود. علاوه بر رحیمی، سردار حمید هداوند، جانشین رئیس پلیس پایتخت نیز با سارقان خشن اتمام حجت کرد و گفت: «سرقت، امنیت و آرامش جامعه را برهم می زند و ما به عنوان پلیس همه تلاش خود را به کار بسته ایم مقتدرانه و ضربتی با سارقان و به تبع آن با مالخران برخورد جدی و مستمری داشته باشیم. سارقانی که به صورت تیمی فعالیت دارند و اقدام به سرقت های خشن می کنند، اغلب با سوء استفاده از گستردگی و حجم بالای جمعیت موجود در تهران، از این موضوع بهره برداری می کنند. برخورد این گونه سارقان نشان دهنده این موضوع است که این افراد از ناشناس و ساکن نبودن در تهران سوء استفاده کرده و دست به اقدامات مجرمانه می زنند. مجرمان مطمئن باشند به هر جای کشور متواری شوند، حتما شناسایی و دستگیر خواهند شد.»

از جماعتی می خواهیم بگوییم که از مدت ها پیش شده اند قداره کش و هفت تیر کش شهر و با هر وسیله و شیوه ای که دل شان بخواهد، تهدید می کنند، می ترسانند و به یغما می برند. قبلا ترس از آبرو و پلیس وزندان و حتی مردم، باعث می شد خیلی ها سراغ سرقت نروند و اگر هم می رفتند، آن قدر گم و مخفی بود که افراد زیادی از ماجرایش خبردار نمی شدند. جماعتی که امروز درباره آن صحبت می کنیم، نه از بگیر و ببند و پلیس واهمه دارند، نه از این که جلوی چشم و حشت زده ده ها نفر، قمه و تفنگ شان را روی شقیقه مردم بگذارند و مال و اموال شان را به تاراج ببرند. پایش بیفتد، هم به شدت زخم می زند و حتی آدم هم می کشند. برای این آدم ها، شمال و جنوب و حاشیه شهر هیچ توفیری با هم ندارد. هر جا قمه چرب و دندان گیری گیرشان بیاید، همان جا خفتش می کنند. بسیاری از مردم و فیلم های منتشر شده از سارقان سلاح به دست، می گویند و تصور می کنند آمار زورگیری های خشن افزایش پیدا کرده، اما سردار رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ چنین اعتقادی ندارد. او در مصاحبه ای که چند روز پیش انجام داد، گفت: «در تهران افزایش زورگیری به هیچ عنوان نداشتیم و این موضوع صحیح

لیلا حسین زاده
تیش

حال کشور خوب نیست

سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران با بیان این که سالانه حدود ۶۰۰ هزار پرونده با موضوع ضرب و جرح در پرونده های قضایی و پزشکی قانونی ثبت می شود و در عین حال بسیاری از این موارد، به پزشکی قانونی با مراجع قضایی گزارش نمی شود، گفت: «در مورد جرایم خشن آمار دقیقی وجود ندارد ولی آنچه حداقل در افکار عمومی به آن پرداخته شده و در مورد آن نگرانی وجود دارد، مشهودتر شدن جرایم خشن است. چون آمار مشخصی وجود ندارد، نمی توانم در مورد کاهش یا افزایش این نوع زورگیری ها اظهار نظر کنم، ولی به عنوان یک شهروند حس می کنم نگرانی مردم در خصوص زورگیری ها افزایش پیدا کرده است. وجود این حس در من شهروند، علاوه بر این که حامل پیام ناامنی است، بلکه بخشی از این حس، ناشی از شواهدی است که در این زمینه وجود دارد و نمی توان منکر این شرایط شد. ضمن این که، بیش از برخورد های پلیسی با جرایم خشن، این سازمان های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی هستند که می توانند نقش موثری در این زمینه ایفا کنند. گرچه معتقدم اگر پلیس به سمت برنامه های پیش رویدادی و ایجابی حرکت کند، شاید بتواند

سرقت قوطی شیر خشک برای فرزند

یکی از تراژیک ترین سرقت هایی که سال ۹۷ اتفاق افتاد، سرقت برای خرید یک قوطی شیر خشک توسط یک مرد جوان بود که سروصدای زیادی هم به پا کرد. سرقت شیر خشک از آن دست ماجراهای بسیار تلخی بود که با این که فیلمش در رسانه ها پخش شد اما کمتر کسی آن را باور می کرد تا زمانی که پدر جوان در برابر دوربین های تلویزیونی با الحنی تضرع آمیز اعتراف کرد فقط برای سیر کردن شکم نوزاد گرسنه اش اقدام به سرقت از بانک کرده است. ساعت ۹ صبح روز حادثه بود که مرد جوان سلاح به دست وارد بانک رسالت شعبه احمد آباد مشهد شد، درست مثل فیلم ها. او سلاحش را به سمت متصدی باجه گرفت و از او خواست پول بدهد. متصدی باجه هم از ترس جانش ۱۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان داخل کوله پشتی سارق ریخت و بعد هم سارق سوار موتور شد و از مهلکه گریخت. سارق جوان خیلی زود دستگیر شد و با حالتی منقلب در اعترافات خود گفت: «پس از سرقت، دو قوطی شیر خشک (به ارزش هر کدام ۲۵ هزار تومان) خریدم اما به باقی پول دست ندم. من دزد نیستم و تحت فشار دست به سرقت زدم. حاضرم نان خشک بخورم اما کنار زن و بچه ام باشم.»

زورگیری با سلاح

سارقان خشن از هر وسیله و ابزار برای ترساندن طعمه های شان استفاده می کنند. قمه بلند و بران باشد یا تبر و حتی سلاح گرم، فرقی به حال شان نمی کند. در یکی از این زورگیری های خشن که اسفند ماه ۹۲ رخ داد، پنج جوان با تبر و کلاشیکف از طلافروشی ها در محله شاد آباد تهران سرقت کردند. ماموران کلانتری یافت آباد به سرعت خود را به محل سرقت رساندند اما متوجه شدند سارقان پس از شلیک هوایی و ایجاد رعب و وحشت، پا به فرار گذاشته اند. ماموران آگاهی تهران بلافاصله پلاک و نوع خودرو را بررسی کردند و مشخص شد خودرو متعلق به سارقان نیست. مرد طلافروش هم مدعی شد سارقان چهار کیلو طلا از او سرقت کرده اند. با گسترده شدن ابعاد تحقیقات، مشخص شد دو نفر از سارقان اهل جنوب کشور و دو نفر دیگر نیز ساکن تهران بودند که با بررسی های بیشتر مشخص شد آنها مدت هاست از محل سکونت خود متواری شده اند. البته این پایان کار نبود و پلیس با انجام یک عملیات، سه نفر از سارقان را دستگیر کرد. بر اساس تحقیقات پلیسی، سارقان با دستگاه ذوب طلا، طلاها را ذوب کرده و به صورت شمش به مشتریان خود می فروختند. در حالی که دو سارق فراری دیگر در سودای پول باد آورده و ولخرجی های پس از آن سیر می کردند، در مسیر تهران به دام پلیس افتادند. هر پنج جوان سارق، سابقه کیفری داشتند و از دیگر طلافروشی های تهران و خوزستان که محل زندگی دوفرشان بود، سرقت کرده بودند.